

فرهنگ

باربی؛ فیلمی فمینیستی که همه را غیر خودش تکفیر می کند

سرمایه‌داری صورتی خواهه!

مطرخ شوند، نه چیزی که واقعا می توان از فیلم دریافت.

در این فیلم هیچ فلسفه‌ای وجود ندارد به‌جز فمینیسم فردگرا و به قدری با اینکه عبان است که سارا وان، خبرنگار دلیلی ملی با اینکه خودش یک زن است، درباره نمایش مردان در این فیلم می‌نویسد: «این یک فیلم عمقا ضدمرد است، بسط تمام آن فمینیسم موجود در فضای TikTok که هر شکلی از مردانگی را-غیر از متغزل ترین نوع آن- به عنوان زهرآگین و درنده نشان می دهد. هر شخصیت مرد یا یک احمق یا یک متعصب یا یک

میلاد چلبوزاده

خبرنگار کردی فرهنگ

نسیب تباری با کودگی را که همبازی اوست می توان به عالم **مَثَل** افلاطون و نسیبتی که بازمین برقرار می کند ربط داد و باری لنه را هم می توان معادلی بستمدرن برای آنتویپا یا همزاد آنتانشر-افلاطون درنظر گرفت، اما اینها دقیقا چیزیایی است که کارگردان فیلم علاقه دارد

باربی فرزند کیست؟

باربی مولود بودایی که سینما بیشتر روی مخاطبان مرد تمرکز داشت و روی همین حساب، زن‌های رنگی بکنی و نیمه‌برهنه، زیاد در صحنه حضور داشتند. در این نوع فیلم‌های مدرکسپند که غریب‌مردها برای دلیل کردن یک فیلم با چشم دوختن به یک آگهی یا هر چیز دیگری مثل اینها به گروهان می‌گرفت، همه چیز عبان نمی‌شد؛ بلکه مشتهیات را هم نشان می دادند و هم کامل نشان نمی دادند، قطره‌ای می چکاندند و همچنان تشنه نگه می داشتند. در آن ایام، مردها بیشتر در سینما فیلم می دیدند و زن‌ها در خانه تماشاچی سرپال بودند. مردم لارهای زرد آمریکایی که چون وضو شأن تبلیغات صابون و مواد شوینده داخل منازل پخش می‌شد، به سوپ ابرا معروف بودند، هم برای همان دوران است فیلم‌های سینمایی که مخاطبانش مردها بودند، بیشتر در لوکیشن‌های بیرونی فیلمبرداری می‌شدند. در خیابان‌های بیابان و جنگل و دریا یا حتی فضا از آنسو سرپال‌هایی که برای مخاطبان زن ساخته می‌شد، عمدا در لوکیشن‌های داخلی می‌گذاشتند در خانه‌هایی که چشم‌زنان خانه‌دار را می‌گرفت یا برده‌ها و لوسترها قشنگ و گلکاری داخل و دم در منزل.

در این شرایط باربی به‌عنوان چیزی که باید ایده‌آل مردها برای دستبسیابی و تمکک و ایده‌آل زن‌ها برای شبیه شدن به آن باشد، وارد بازار فرهنگ شد. باربی نسخه‌ای عروسکی از یک توده فرهنگی بود، نه پدیدآورنده یک جریان. این عروسک بخشی از یک جشنواره بزرگ داد نمی‌بود که در سینما یا امثال مرلین مونرو و در انیمیشن‌ها یا پرئسنی‌های والت دیزنی نماینده می‌شد، همان بلوند خنک آمریکایی با اصطلاح این آپ، زانمی با اندام باریک و موهای طلایی که فرهای درشت‌دانه دارد و با آن ساده‌دلی محض و زیبایی بی‌آزار، جز به‌ترین داری‌هایی یک‌مرد به‌حساب می‌آمدند. این چیزی بود که می‌خواست یک پادشهر از جانب سرمایه‌داری، به روحیه انقلابی و قهرمان پرور در جریان چپ باشد. در مقال‌زنان مبارز جریان چپ که آن روزها یعنی در دوران جنگ سرد، وجودشان و حضورشان در صحنه تعرف‌شدی دیگری از زن بودن ارانه می‌داد، این بلونده‌های خنک و دوتیپ‌شاشتی و دلفریب، آنچه را به‌سبک زندگی آمریکایی معروف بود، ترویج می‌دادند. زن متغزل و زیبا، مطیع و خوش لباس، فریب‌خوار و معصوم، غیرسیاسی، غیراجتماعی، در یک کلام فاقداید لولوزی و نظر و عمل وجود باریبی و تبدیل‌شدنش به معیار و نماد زنانگی، اساسا توهین به زن بود.

معیار شدن فیزیک و چهره باریسی، یعنی هر

ثوری زنان بدون مردان در دنیای باربی

باربی؛ با سکانسی شروع می‌شود که عده‌ای دخترچیه‌را مشغول بازی‌های ماندانه با عروسک‌هایی شبیه نژادان نشان می‌دهد، سپس صدای رادی می‌آید که این جملات را می‌گوید: «آغاز زمسان، آن زمان پیدایش اولین دخترچیه، عروسک‌ها وجود داشتند. اما عروسک‌ها همیشه عروسک بچه، بودند دخترهایی که با آنها بازی می‌کردند فقط می‌توانستند مردان باشند که می‌تواند چیز جالبی باشد، حداقل برای یک مدتی؛ از مادرهایتان پرسید. این موضوع تا زمانی ادامه پیدا کرد که… در اینجا دلوگ‌های راوی نیمه‌کاره می‌ماند و تصویر بزرگ باربی را وسط دختر بچه‌ها می‌بینیم. این عروسکی نیست که طر جوهره آن از روی یک کودک باشد، بلکه عروسکی از یک زن بزرگسال است. دختر بچه‌هایی که باربی را می‌بینند، عروسک‌هایشان را به در دیوار می‌گویند و فیلم باربی این‌طور شروع می‌شود. از این علنی‌تر نمی‌شد مادر بودن زن‌ها را به در دیوار گویند. این نشان می‌دهد که باربی سال ۲۰۲۳ آمده است تا مادر بودن یک نوع عقب‌مانگی که مانع دست‌وپای بزر سر را به پیشرفت زنان معرفی کند، حتی رادی می‌گوید: ممکن است مادر بودن جالب به نظر برسد اما فقط برای مدتی جالب است. این را در مراهبان هم پرسیسد… فیلم هر قدر جلوتر می‌رود سردی می‌پایان باریبا را نسبت به جفتی که برایش معرفی شده، یعنی آ کن، بیشتر می‌بینیم. ماجرا این نیست که باربی صرفا کن، را دوست نداشته باشد، بلکه او اساسا به هیچ مردی علاقه ندارد و فیلم داد علاقه‌ندان نشان، به مردان، راه‌مورد کلی‌توربیه می‌کند. این چیز جدیدی نیست و در فیلم‌باربی برای اولین بار طرح‌شده نمی‌شود،

باربی با بلوند؛ کدام آمریکا واقعی با نشان می‌دهد؟

بارسی همزمان با فیلم «انتهایمرا، ارکان شد» دوگانه‌ای را بین دو نوع فیلمی که جهان‌شان اساسا متفاوت بود ایجاد کرد. از این دوگانه با عنوان پدیده بارنیهایم یاد کرده‌اند. ما قیلا در این باره نوشته‌ایم که باربی را می‌توان متعلق به گفتمان دو مدرکات‌های هالیوود دانست و اینهایم نژادپرستی و فاشیسم. حالا باربی آمده تا نماد چیزهای دیگر می‌رسد سووای آن تب ایجاد‌شده توسط مهندسی ارکان در سینماهای آمریکا مقایسه بهتر این است که باربی را مقابل فیلم دیگری به نام «بلوند» بگذاریم که آن هم برای سال ۲۰۲۳ است. بلوند با موضوع زندگی مرلین مونرو، فیلمی با فرم قوی و بازی عالی هنربیشه نقش اولش بود. این نقاط قوت با باعث نشد که منتقدان سینمای آمریکا با این فیلم از سسر مهر بریایند. برخورد منتقدان آمریکایی با بلوند، پدیده‌ای در سینمای نویسی این کشور بود که تا به حال با این حجم سابقه نداشت و البته چنانکه شایسته بود به آن توجه نشد. فیلم را بیشتر منتقدان گویند؛ اما نه به لحاظ فرمی، بلکه از جهت محتوا. چنین چیزی با توجه به آنکه نویسندگان رسانه‌ای آمریکا می‌دانند، فقط صرفا فرمال و کابلا غیرایده‌نولوزیک آثار هستند، واقعا عجیب و بی‌سابقه بود. بلوند

ثوری زنان بدون مردان در دنیای باربی

بلکه همان تز زنان بدون مردان است» که ویرال‌ترین گزاره و دستورالعمل فمینیسمی را در سه کلمه خلاصه کرده است. فیلم مرتب‌د را روی همین ریل حرکت می‌کند که ای‌نژان عالم، از مادر شدن، از محبویه همسر بودن و از هر نوع رابطه‌ای که یک‌سوک دیگر آن مردی استفاده است، بر خنر پاشید. جهان سرمایه‌داری از مفهوم اتحاد بشری و اهمه‌داشت و هم‌دستی‌های می‌گرد که ایجاد هر نوع اتحاد و تضییعی بین توده‌های بشری، اجاز بره‌گشای از آنها را نمی‌دهد. تاثیر این قضیه روی محتوای سینمایی و سرسپالی‌های از آن پس ساخته می‌شد، به‌وضوح قابل مشاهده است. جالب است اگر بدانیم بیشترین آمار محرومیت جنسی

جابی بزرگ‌تر از باربی‌لند

ارکان فیلم سینمایی باربی با بازی مارگو رابی و محبوبیت این فیلم به کمک تبلیغات موفقی که داشت تا نیرات کم سابقه‌ای در مخاطبانش ایجاد کرده است. تا امروز، فروش تا یوت‌هایی که تصاویر باربی روی آن چسبانه شده و برگزاری مراسم تحریح با تم رنگ صورتی از عجیب‌ترین لباس‌های تاریخ است. از استالین و هیتلر تا بن لادن و قدافی همگی در تب باربی به کمک هوش مصنوعی صورتی‌پوش شده‌اند! فروش عروسک‌های باربی افزایش پیدا کرده و این افزایش فروش اسباب‌بازی‌های مربوط به باربی در حالی اتفاق می‌افتد که کودکان مخاطب این فیلم نیستند، رده سنی این فیلم برای بالای ۱۷ سال است. یکی از شیوه‌های موثر تبلیغی برای القای همه‌گیری رنگ صورتی همزمان با ارکان این فیلم، انتشار اخباری مربوط به طراح صحنه این فیلم بود. خبر شگفت‌انگیز این بود که تمام موجودی رنگ صورتی یکی از معروف‌ترین شرکت‌های تولید رنگ آمریکایی برای آمین رنگ مورد نیاز این فیلم تمام شده است. مخرب تب باربی حتی یقه رئیس جمهور فعلی و قبلی آمریکا را هم گرفت انتشار گسترده تصاویری از باراک اوباما و بایدن در حالی‌که شخصیت کودکان از همان سن تا بزرگسالی، روا نشانسان انتقاداتی را متوجه این شخصیت کرده‌اند.

نوشته ۲۳ مرداد ۱۳۰۲ شماره ۳۲۵

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

سرمایه‌داری چه شکلی با خانواده داد؟

روزگاری بود که س‌وای از ساختار ویژه گروه‌های چریکی-آزادی‌های ساختار شکنانه جنسی، به‌نوعی ملانم و همسو با چپ‌گرایی آرزیایی می‌شد و چیزهایی مثل خانواده، مذهب و بعضی ارزش‌های سنتی به اردوگاه راست و جریان سرمایه‌داری نسبت داده می‌شدند. در ابتدای قرن ۲۱ به بعد، سینمای آمریکا به دست دموکرات‌ها افتاد و این حتی در شرایطی که دولت را جمهوری خواهان به دست می‌گرفتند همچنان یک اصل ثابت بود. دیگر ضروری وجود نداشت و طبیعتا لازم نبود آمریکا به تعبیر ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین این کشور ابرقدرتی باشد که نماینده خداباوران در رأس هرم قدرت جهانی است. تاجر در آن لحظه دوران‌ساز که شده است و زندگی بر اضطراب رافاتی، از انسان‌ها پس‌انترناسیون- برای سرمایه‌داری- وجود ندارد، و اضافه کرد که از این به بعد جامعه وجود ندارد و ما با افراد طرف هستیم. او گفت جامعه از این به بعد نهایتا می‌تواند در واحد کوچکی مثل خانواده وجود داشته باشد و از آن جزوتی نیاید اما لحن تاجر نشان می‌داد که همین واحد اجتماعی کوچک را هم مصلحتی و تعارفی پذیرفته است.

جهان سرمایه‌داری از مفهوم اتحاد بشری و اهمه‌داشت و هم‌دستی‌های این محرومیت بیشتر می‌شود، آن ظاهر نیمه‌برهنه بین توده‌های بشری، اجاز بره‌گشای از آنها را نمی‌دهد. تاثیر این قضیه روی محتوای سینمایی و سرسپالی‌های از آن پس ساخته می‌شد، به‌وضوح قابل مشاهده است. جالب است اگر بدانیم بیشترین آمار محرومیت جنسی

بودن شهروندان برایش مطالبه و در نتیجه ددرسی می‌سازد.

مردی که ترس را با اراج فبیضا پیوند داد

به نادر چارخ‌گرش‌ها و بیپش‌هایی در داستان‌اش فضا شد تا فیلم تبدیل شود به اثری غیر تکراری.

هومن جعفری

خبرنگار

زندگی و مرگ ویلیام فردکین، جذاب‌تر از آن است که بخوایم گذاربه آن نگاه کنیم. شایسته است که برای مرگ این کارگردان بسیار خاص، پرورنده مفصلی خودش شود. بااین همه اشاره سبکی باید کرد به اینکه او، کارگرایی بسیار برتخرجه و چناندرتی بود. هم پرسناک ساخت، هم فیلم تعقیب و گریزدار، هم فیلم پلیسی، هم فیلم نظامی. آدمی نبود که در یک زاثر بکنجد و دوست داشت هنر خود در زمینه ساخت فیلم را در موفقیتهای مختلف با داستان‌های مختلف به نمایش بگذارد. او از تجربه‌های مختلف ترسبی استفاده و به علت تبحر فراانش در مسائل فنی، ساختن فیلم در زاثرهای مختلف را نوعی امتحان یا محلی برای نشان دادن توانایی‌های خود به دیگران در نظر می‌گرفت. او هم مثل بسیاری از کارگردان‌های مختلف، فراز فرود خود داشت. فیلم‌هایش که اسکارا درو کردند و هم‌پای توجیهی میخذی مواجه‌شدند. هم‌شکست‌های سنگین تجاری را تجربه کرد و هم تسخیر لذت‌بخش گیشه‌های جهانی را در کارنامه خود به ثبت رساند.

فردکین با ژانیه فرانسوی دنیا، آمونوجه خود کرد و یگان‌چیر گیر، در پادها باقی‌ماند. این دو فیلم جذاب و تعامالی ساخته‌شده‌اند که هنوز بعد از پنجاه سال می‌شود تماشایشان کرد و از آنها لذت برد. آثارها در فیلم روی نشان خود اثر مهمی گذاشتند و بسیاری از فیلم‌ها به تقلید از این دو ساخته شدند و دست‌کم در گلسنامه و اجرا از این دو فیلم تاثیر گرفتند. ارتباط فرانتاسویی فیلمی بود جواب در زاثر تعقیب و گریز داستانی بود که مامور پلیس ارتباط داشت که به دنبال نفوذ در یک گروه قاچاق بی‌گناهان می‌گردد اما فرق داشت. جن گیر تاریخ سینمای برایش حال برآم‌الطبعیه، را تغییر داد و نسلی از فیلم‌های همراه با موضوع جن‌گری را ساخت گذاشت. تقریبا هر فیلم موفقی در این حوزه با نگاه ویژه به جن‌گیر ساخته شده است.

سری فیلم‌های ترسناک «حشار» یا «کانجرتنگ»، در دوده‌خبر بسیار مورد شنند. این فیلم‌ها بر مبنای ژانیه اد و لوران وان، یک زوج محقق در دوره مسائل مربوط به دیان ماروا/الطبعیه ساخته شده که در آمریکا بسیار شهرت دارند. سری احشار آقدر برطرف‌دار شد که علاقت شلم از آن ساخته که برای خودش یک گورده به حساب می‌آید. این فیلم احشار ساخته شد، بعد فیلم آتایل، بعد احشار ۲ و بعد احشار ۳. بعد فیلم‌های راهبه، نقرین لیورونا. آتایل به‌خاته می‌آید و احشار ۳ وانه بازار شدند. این فیلم‌ها هر کدام در یک ترتیب تاریخی خاص ساخته شدند و مسلالم وقوع رویدادها در آنها متفاوت است. جیمز وان با ساختن این هفت‌گانه وحشت، پول خوبی به جیب زد و از همه مهم‌تر، نام خود را در کنار نام فردکین، در زمره کفراتی قرار داد که خواب راحت را از مردم گرفتند!

مایکل هافستروم کارگردان معروف سوئدی، در سال ۲۰۱۱ فیلم درخشان

تشریفات مذهبی را با بازی آنتونی هاپکینز ساخت. این داستان کشیش پیر و بسیار سرشناسی است که در تشریفات جن‌گیری و خراج رون‌جوق و بدین فریائیان تبخر فراوانی دارد. اما او در آخرین پرورنده، خود و با این فیلم، نه تنها موجهی از وحشت و به تبع آن، تحسین را در دنیا پدید آورد، بلکه با ده نامزدی و دو جایزه اسکار، نام خود را در تاریخ سینمایثابت کرد. جن‌گیر داستان ساده‌ای دارد. فرزند یک ستاره سینما، رقماضی غیر طبیعی از خود نشان می‌دهد. رقماضی‌ها که به تدریج خشن‌تر و کفرآلودتر می‌شوند و سرانجام چارهای جز رضایت پدر برای انجام عملیات جن‌گیری باقی نمی‌ماند.

یغیه ماجرا شاید برای ما قابل حدسی باشد اما در هفت‌دهه میلادی بسیاری طرفدار داشت. ما آتقدر فیلم‌های جن‌گیری دیده‌ایم که تا ته داستان را بخوانیم اما جن‌گیر در زمان خود، بینندگان را با هر سکانتی بیشتر

می‌ترساند. باوجود آنکه جن‌گیر از جلوه‌های ویژه زمانه خود استفاده کرد که این‌روزها، خیلی بیشترقده به حساب نمی‌آید، اما فیلم همچنان به‌شدت ترسناک، درگیر کندنده طبیعی است باوجود گذشت پنج‌دهه می‌توانید یک جادوگر و احشار کننده است که شخصیت عجیب و غریب خودش را در دواین‌روهای شیطانی به شیوه خود می‌آزمایم. فیلم کنستانن، با بازی کیتانو ریوز بسیار محبوب شد اما در حقیقت شخصیت کنستانن به‌این‌چیزی که در فیلم دیدیم متفاوت است و او کمی شخصیت مرموزتر و ساده‌الته شیخ‌طبع تری نسبت به چیزی دارد که کیتانو ریوز به ما نشان داد. یکی از تخصص‌های او جن‌گیری و بیرون کشیدن ارواح شیطانی از کابله انسانی است.

فرهنگ

